

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۹۸	فصل هشتم: زبان کردی
۵۹۸	۱-۸ مقدمه
۶۰۲	۲-۸ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۶۰۲	۱-۲-۸ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در گویشهای بانه‌ای و ...
۶۴۷	۲-۲-۸ توصیف وضعیت رده‌شناختی کردی بانه و سنندج بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۶۴۹	۳-۲-۸ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در کرمانشانی
۶۹۲	۴-۲-۸ توصیف وضعیت رده‌شناختی کردی کلهری و کرمانشانی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۶۹۴	۳-۸ نظام مطابقه در کردی
۶۹۴	۱-۳-۸ مقدمه
۶۹۵	۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی بانه و کردی سنندج
۶۹۵	۱-۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی بانه
۶۹۵	۱-۱-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...
۷۰۲	۲-۱-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال
۷۰۴	۳-۱-۲-۳-۸ الگوهای نظام مطابقه در کردی بانه
۷۰۹	۲-۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی سنندج
۷۱۰	۱-۲-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...
۷۱۶	۲-۲-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال

صفحه	عنوان
۷۱۸	۳-۲-۲-۳-۸ الگوهای نظام مطابقه در کردی سنندج
۷۲۴	۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کلهری و کردی کرمانشانی
۷۲۵	۱-۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کلهری
۷۲۵	۱-۱-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در کلهری
۷۲۷	۲-۱-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با مفعول در کلهری
۷۳۱	۳-۱-۳-۳-۸ الگوی نظام مطابقه در کلهری
۷۳۲	۲-۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کرمانشانی
۷۳۲	۱-۲-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در کرمانشانی
۷۳۳	۲-۲-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با مفعول در کرمانشانی
۷۳۶	۳-۲-۳-۳-۸ الگوی نظام مطابقه در کرمانشانی
۷۳۷	۴-۸ نظام مطابقه و نظام حالت در کردی
۷۳۹	۵-۸ گونه‌های دیگر کردی
۷۳۹	۱-۵-۸ کردی مهاباد
۷۵۲	۲-۵-۸ کردی ایلامی
۷۵۴	۳-۵-۸ کردی سلیمانیه
۷۵۴	۱-۳-۵-۸ مکاروس (۲۰۰۹)
۷۶۴	۲-۳-۵-۸ مکاروس (۱۹۵۸)
۷۶۵	۳-۳-۵-۸ مکنزی (۱۹۶۱a)
۷۶۷	۴-۳-۵-۸ هیگک (۲۰۰۸)
۷۷۰	۵-۳-۵-۸ تحلیل و تبیین این نگارنده
۷۸۰	۶-۳-۵-۸ کردی سلیمانیه در مقایسه با کردی سنندج و کردی کلهری
۷۸۴	۴-۵-۸ کردی کرمانجی
۷۸۹	۵-۵-۸ پیامدهای نظری
۷۹۴	فصل نهم: زبان اورامی
۷۹۴	۱-۹ مقدمه

صفحه	عنوان
۷۹۵	۲-۹ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۷۹۵	۱-۲-۹ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۸۳۰	۲-۲-۹ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۸۳۰	۳-۹ نظام مطابقه در اورامی
۸۳۰	۱-۳-۹ مقدمه
۸۳۲	۲-۳-۹ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک ...
	۳-۳-۹ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۸۴۱	با ستاک حال
۸۴۷	۴-۳-۹ الگوهای نظام مطابقه
۸۵۱	۴-۹ نظام حالت
۸۵۲	۵-۹ مکتزی (۱۹۶۶)
۸۶۲	فصل دهم: زبان لکی
۸۶۲	۱-۱۰ مقدمه
۸۶۳	۲-۱۰ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۸۶۳	۱-۲-۱۰ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۸۹۰	۲-۲-۱۰ توصیف وضعیت رده‌شناختی لکی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب ...
۸۹۲	۳-۱۰ نظام مطابقه در لکی
۸۹۲	۱-۳-۱۰ مقدمه
۸۹۲	۲-۳-۱۰ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ...
	۳-۳-۱۰ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۸۹۷	با ستاک حال
۹۰۰	۴-۳-۱۰ الگوهای نظام مطابقه در لکی
۹۰۸	فصل یازدهم: زبان دلواری
۹۰۸	۱-۱۱ مقدمه
۹۰۸	۲-۱۱ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها

صفحه	عنوان
۹۰۹	۱-۲-۱۱ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در دلواری
۹۳۵	۲-۲-۱۱ توصیف وضعیت رده‌شناختی دلواری بر اساس مؤلفه‌های ...
۹۳۷	۳-۱۱ نظام مطابقه در دلواری
۹۳۷	۱-۳-۱۱ مقدمه
۹۳۷	۲-۳-۱۱ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده از ...
	۳-۳-۱۱ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۹۴۹	با ستاک حال
۹۵۳	۴-۳-۱۱ الگوهای نظام مطابقه در دلواری
۹۶۳	فصل دوازدهم: زبان نائینی
۹۶۳	۱-۱۲ مقدمه
۹۶۳	۲-۱۲ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۹۶۴	۱-۲-۱۲ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در نائینی
۱۰۰۰	۲-۲-۱۲ توصیف وضعیت رده‌شناختی نائینی بر اساس مؤلفه‌های ...
۱۰۰۲	۳-۱۲ نظام مطابقه در نائینی
۱۰۰۲	۱-۳-۱۲ مقدمه
۱۰۰۲	۲-۳-۱۲ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...
	۳-۳-۱۲ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۱۰۱۶	با ستاک حال
۱۰۲۱	۴-۳-۱۲ الگوهای نظام مطابقه در نائینی
۱۰۳۴	فصل سیزدهم: زبان شه‌میرزادی
۱۰۳۴	۱-۱۳ مقدمه
۱۰۳۴	۲-۱۳ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۱۰۳۵	۱-۲-۱۳ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در شه‌میرزادی
	۲-۲-۱۳ توصیف وضعیت رده‌شناختی شه‌میرزادی بر اساس مؤلفه‌های
۱۰۶۹	ترتیب واژه‌ها

صفحه	عنوان
۱۰۷۲	۳-۱۳ نظام مطابقه در شه‌میرزادی
۱۰۷۲	۱-۳-۱۳ سازوکار مطابقه با فاعل
۱۰۸۲	۲-۳-۱۳ الگوهای نظام مطابقه
۱۰۸۶	۳-۳-۱۳ نظام مطابقه و نظام حالت‌نمائی
۱۰۹۱	فصل چهاردهم: زبان تاتی
۱۰۹۱	۱-۱۴ مقدمه
۱۰۹۳	۲-۱۴ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۱۰۹۳	۱-۲-۱۴ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در تاتی
	۲-۲-۱۴ توصیف وضعیت رده‌شناختی تاتی (گوش چال) بر اساس مؤلفه‌های
۱۱۳۲	ترتیب واژه‌ها
۱۱۳۵	۳-۱۴ نظام مطابقه در تاتی
۱۱۳۵	۱-۳-۱۴ مقدمه
۱۱۳۵	۲-۳-۱۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...
	۳-۳-۱۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۱۱۴۴	با ستاک حال
۱۱۴۸	۴-۳-۱۴ الگوهای نظام مطابقه در تاتی (چال)
۱۱۵۸	۵-۳-۱۴ نظام مطابقه و نظام حالت‌نمائی
۱۱۷۹	۶-۳-۱۴ کتاب دستور گویشهای تاتی جنوبی
۱۱۹۳	فصل پانزدهم: یافته‌ها و پیامدها
۱۱۹۳	۱-۱۵ مقدمه
۱۱۹۴	۲-۱۵ رده‌شناسی ترتیب واژه در زبانهای ایرانی نو
۱۱۹۴	۱-۲-۱۵ وضعیت کلی زبانهای ایرانی نو
۱۲۰۰	۲-۲-۱۵ مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک در زبانهای ایرانی ...
۱۲۰۲	۳-۱۵ تحلیل یافته‌ها در گستره مباحث نظری
۱۲۰۳	۱-۳-۱۵ پیامد یافته‌ها برای زبان‌شناسی زایشی

صفحه	عنوان
۱۲۱۰	۲-۳-۱۵ پیامد یافته‌ها برای رده‌شناسی زبان
۱۲۱۰	۱-۲-۳-۱۵ عوامل تغییر در ترتیب واژه‌ها/سازه‌ها
۱۲۱۹	۲-۲-۳-۱۵ تأثیر گذاری فارسی بر سایر زبانهای ایرانی
۱۲۲۲	۴-۱۵ رده‌شناسی نظام مطابقه در زبانهای ایرانی نو
۱۲۳۱	۵-۱۵ نکاتی درباره منشأ پیدایش ساخت گنائی در زبانهای ایرانی
۱۲۳۳	منابع
۱۲۵۲	نمایه زبانها
۱۲۵۵	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۱۲۶۲	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

فهرست شکلها

صفحه	عنوان
۷۰۶	شکل ۸-۱: کردی بانه، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۷۰۸	شکل ۸-۲: کردی بانه، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۰۸	شکل ۸-۳: کردی بانه، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۰۹	شکل ۸-۴: کردی بانه، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۷۰۹	شکل ۸-۵: کردی بانه، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۷۲۰	شکل ۸-۶: کردی سنندج، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۷۲۲	شکل ۸-۷: کردی سنندج، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۲۳	شکل ۸-۸: کردی سنندج، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۲۳	شکل ۸-۹: کردی سنندج، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۲۴	شکل ۸-۱۰: کردی سنندج، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در ...
۷۲۴	شکل ۸-۱۱: کردی سنندج، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در ...
۷۳۱	شکل ۸-۱۲: نظام مطابقه در کردی کلهری
۷۳۷	شکل ۸-۱۳: نظام مطابقه در کردی کرمانشانی
۷۴۷	شکل ۸-۱۴: کردی مهاباد، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۷۴۸	شکل ۸-۱۵: کردی مهاباد، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۴۸	شکل ۸-۱۶: کردی مهاباد، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۴۸	شکل ۸-۱۷: کردی مهاباد، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۷۵۰	شکل ۸-۱۸: کردی مهاباد، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۷۹۰	شکل ۸-۱۹: نظام حالت‌نمائی و مطابقه ردهٔ e (برگرفته از کامری، ۱۹۷۸)

صفحه	عنوان
۸۴۷	شکل ۹-۱: اورامی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۸۴۸	شکل ۹-۲: اورامی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته
۸۵۰	شکل ۹-۳: اورامی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی
۹۰۱	شکل ۱۰-۱: لکی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۹۰۴	شکل ۱۰-۲: لکی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته (شق اول)
۹۰۴	شکل ۱۰-۳: لکی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته (شق دوم)
۹۰۶	شکل ۱۰-۴: لکی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی ...
۹۰۷	شکل ۱۰-۵: لکی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی ...
۹۵۴	شکل ۱۱-۱: دلواری، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۹۵۸	شکل ۱۱-۲: دلواری، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۹۵۸	شکل ۱۱-۳: دلواری، نظام مطابقه در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک ...
۹۵۹	شکل ۱۱-۴: دلواری، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۹۵۹	شکل ۱۱-۵: دلواری، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۱۰۲۶	شکل ۱۲-۱: نائینی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۱۰۲۹	شکل ۱۲-۲: نائینی، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته (شق اول)
۱۰۳۰	شکل ۱۲-۳: نائینی، نظام مطابقه در برخی فعلهای مرکب ساخته شده با ستاک ...
۱۰۳۱	شکل ۱۲-۴: نائینی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای متعدی ...
۱۰۳۲	شکل ۱۲-۵: نائینی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در برخی فعلهای ...
۱۰۸۴	شکل ۱۳-۱: شه میرزادی، نظام مطابقه
۱۰۸۴	شکل ۱۳-۲: شه میرزادی، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۱۱۵۰	شکل ۱۴-۱: تاتی (چال)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۱۱۵۲	شکل ۱۴-۲: تاتی (چال)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۱۱۵۳	شکل ۱۴-۳: تاتی (چال)، نظام مطابقه در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۱۱۵۸	شکل ۱۴-۴: تاتی (چال)، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...
۱۱۵۸	شکل ۱۴-۵: تاتی (چال)، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ مطابقه در فعلهای ...

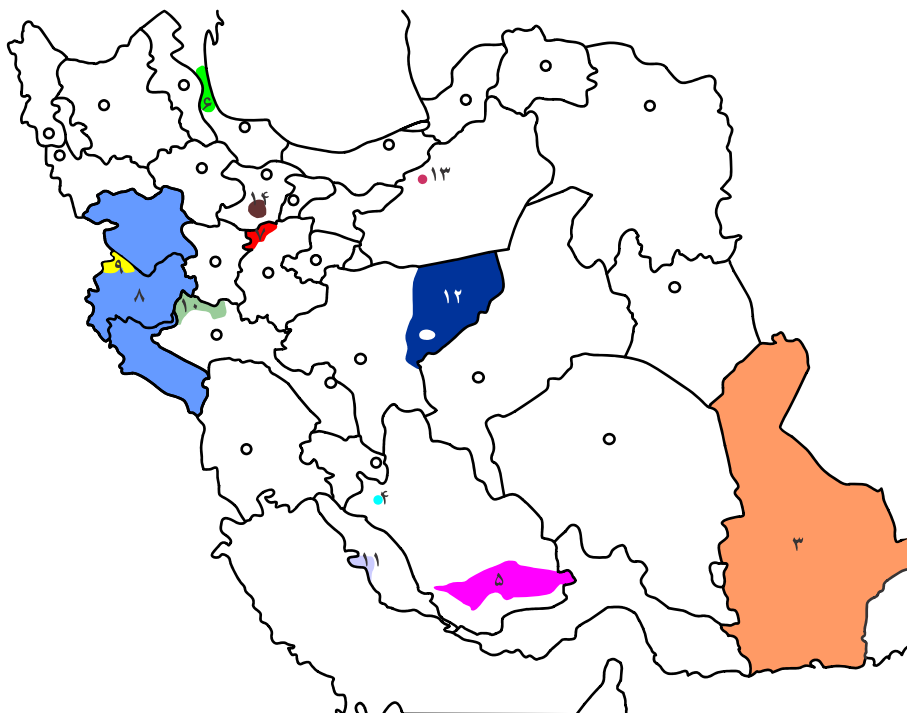
صفحه	عنوان
۱۱۶۱	شکل ۱۴-۶: تاتی (چال)، نظام حالت در فعلهای ساخته شده با ستاک گذشته ...
۱۱۶۲	شکل ۱۴-۷: تاتی (چال)، نظام حالت در فعلهای ساخته شده با ستاک حال
۱۱۶۲	شکل ۱۴-۸: تاتی (چال)، انطباق نقشهای دستوری به لحاظ حالت نمائی در ...
۱۲۲۱	شکل ۱۵-۱: تحول نقش نحوی 'را' از فارسی باستان تا فارسی امروز

فهرست جدولها

صفحه	عنوان
۶۴۸	جدول ۸-۱: کردی بانه و سنندج در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۶۴۸	جدول ۸-۲: کردی بانه و سنندج در مقایسه با زبانهای جهان
۶۹۳	جدول ۸-۳: کردی کلهری و کرمانشانی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۶۹۳	جدول ۸-۴: کردی کلهری و کرمانشانی در مقایسه با زبانهای جهان
۷۰۱	جدول ۸-۵: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در کردی بانه
۷۰۴	جدول ۸-۶: پسوندهای مطابقت فاعلی در کردی بانه
۷۱۵	جدول ۸-۷: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در کردی سنندج
۷۱۷	جدول ۸-۸: پسوندهای مطابقت فاعلی در کردی سنندج
۷۲۶	جدول ۸-۹: پسوندهای مطابقت فاعلی در کردی کلهری
۷۳۱	جدول ۸-۱۰: پی‌بستهای غیرفاعلی در کردی کلهری
۷۳۳	جدول ۸-۱۱: پسوندهای مطابقت فاعلی در کردی کرمانشانی
۷۳۶	جدول ۸-۱۲: پی‌بستهای غیرفاعلی در کردی کرمانشانی
۷۳۸	جدول ۸-۱۳: فهرست ضمیرهای شخصی منفصل در کردی
۷۶۳	جدول ۸-۱۴: فهرست ضمیرهای شخصی منفصل در کردی سلیمانیه ...
۸۳۱	جدول ۹-۱: اورامی (گوش پاوه) در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۸۳۱	جدول ۹-۲: اورامی (گوش پاوه) در مقایسه با زبانهای جهان
۸۳۹	جدول ۹-۳: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در اورامی
۸۴۰	جدول ۹-۴: پسوندهای مطابقت با مفعول در اورامی
۸۴۵	جدول ۹-۵: پسوندهای مطابقت با فاعل در اورامی
۸۵۱	جدول ۹-۶: ضمیرهای شخصی منفصل در اورامی
۸۹۱	جدول ۱۰-۱: لکی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا

صفحه	عنوان
۸۹۱	جدول ۲-۱۰: لکی در مقایسه با زبانهای جهان
۸۹۵	جدول ۳-۱۰: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در لکی
۸۹۹	جدول ۴-۱۰: پسوندهای مطابقت فاعلی در لکی
۹۳۶	جدول ۱-۱۱: دلواری در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۹۳۶	جدول ۲-۱۱: دلواری در مقایسه با زبانهای جهان
۹۴۷	جدول ۳-۱۱: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در دلواری
۹۵۲	جدول ۴-۱۱: پسوندهای مطابقت فاعلی در دلواری
۹۶۰	جدول ۵-۱۱: فهرست ضمیرهای شخصی منفصل در دلواری
۱۰۰۱	جدول ۱-۱۲: نائینی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۱۰۰۱	جدول ۲-۱۲: نائینی در مقایسه با زبانهای جهان
۱۰۱۶	جدول ۳-۱۲: واژه‌بستهای مطابقت فاعلی در نائینی
۱۰۲۱	جدول ۴-۱۲: پسوندهای مطابقت فاعلی در نائینی
۱۰۳۳	جدول ۵-۱۲: فهرست ضمیرهای شخصی منفصل در نائینی
۱۰۷۱	جدول ۱-۱۳: شهمیرزادی در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۱۰۷۱	جدول ۲-۱۳: شهمیرزادی در مقایسه با زبانهای جهان
۱۰۷۹	جدول ۳-۱۳: پسوندهای مطابقت فاعلی در شهمیرزادی
۱۰۸۲	جدول ۴-۱۳: پسوندهای مطابقت فاعلی در فعلهای وجه التزامی در شهمیرزادی
۱۰۸۶	جدول ۵-۱۳: ضمیرهای شخصی در شهمیرزادی
۱۰۸۹	جدول ۶-۱۳: ضمیرهای شخصی ملکی در شهمیرزادی
۱۰۹۰	جدول ۷-۱۳: ضمیرهای شخصی با پس‌افزافه -rae- یا تکواژگونه‌های ...
۱۱۳۳	جدول ۱-۱۴: تاتی (گوش چال) در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۱۱۳۳	جدول ۲-۱۴: تاتی (گوش چال) در مقایسه با زبانهای جهان
۱۱۴۱	جدول ۳-۱۴: پی‌بستهای مطابقت فاعلی در تاتی (چال)
۱۱۴۸	جدول ۴-۱۴: پسوندهای مطابقت فاعلی در تاتی (چال)
۱۱۶۶	جدول ۵-۱۴: پسوندهای حالت‌نما در تاتی (چال)

صفحه	عنوان
۱۱۶۹	جدول ۶-۱۴: فهرست ضمیرهای شخصی منفصلِ فاعلی در تاتی (چال)
۱۱۷۶	جدول ۷-۱۴: ضمیرهای شخصی منفصل در 'حالت مستقیم / فاعلی' در تاتی ...
۱۱۷۶	جدول ۸-۱۴: ضمیرهای شخصی منفصل در 'حالت غیرفاعلی' در تاتی (چال)
۱۱۷۷	جدول ۹-۱۴: ضمیرهای شخصی منفصل ۱ش م در تاتی (چال)
۱۱۷۸	جدول ۱۰-۱۴: ضمیرهای اشاره در تاتی (چال)
۱۱۹۵	جدول ۱-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا
۱۱۹۵	جدول ۲-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای جهان
۱۱۹۸	جدول ۳-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا ...
۱۱۹۹	جدول ۴-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای اروپا - آسیا ...
۱۲۰۰	جدول ۵-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای جهان (فعل پایانی ضعیف)
۱۲۰۱	جدول ۶-۱۵: زبانهای ایرانی نو در مقایسه با زبانهای جهان (فعل میانی ضعیف)
۱۲۰۱	جدول ۷-۱۵: فهرست مؤلفه‌های مشترک در زبانهای ایرانی نو
۱۲۰۲	جدول ۸-۱۵: فهرست مؤلفه‌های غیرمشترک در زبانهای ایرانی نو



فصل	رنگ	زبان	استان	فصل	رنگ	زبان	استان
۳	■	بلوچی	سیستان و بلوچستان	۹	■	اورامی	کرمانشاه (پاوه)
۴	■	دوانی	فارس (دوان)	۱۰	■	لکی	لرستان (کوهدشت، نورآباد)
۵	■	لارستانی	فارس (لار)	۱۱	■	دلواری	بوشهر (تنگستان)
۶	■	تالشی	گیلان (تالش)	۱۲	■	نائینی	اصفهان (نیستانک)
۷	■	وفسی	مرکزی (وفس)	۱۳	■	شهمیرزادی	سمنان (شهمیرزاد)
۸	■	کردی	کردستان، کرمانشاه، ایلام	۱۴	■	تانی	قزوین (چال/شال)

نقشه موقعیت جغرافیایی کانونی زبانهای ایرانی توصیف شده در کتاب حاضر. از آنجا که زبان فارسی زبان ملی و رسمی کشور است در کل ایران پراکنده است.

آمار جمعیت مناطقی که زبان مورد نظر در آنجا گفت و گو می شود.
(مرکز آمار ایران؛ سال ۱۳۹۰)

فصل	زبان	مکان	جمعیت
۳	بلوچی	استان سیستان و بلوچستان	۲۴۰۵۷۴۲ نفر
۴	دوانی	دوان	۴۳۵ نفر
۵	لارستانی	لار خنج	۶۵۴۵۱ نفر ۱۸۷۹۲ نفر
۶	تالشی	تالش	۵۲۳۴۴ نفر
۷	وفسی	وفس	۱۵۸۳ نفر
۸	کردی	بانه سندج ایلام کرمانشاه مهاباد	۸۵۱۹۰ نفر ۳۷۳۹۸۷ نفر ۱۷۲۲۱۳ نفر ۸۵۱۴۰۵ نفر ۱۴۷۲۶۸ نفر
۹	اورامی	پاوه	۲۳۷۰۴ نفر
۱۰	لکی	کنگاور صحنه هرسین الشتر چغلووند زاغه کوهدشت نورآباد جلالوند سفلی جلالوند علیا عثمانوند	۵۳۴۴۹ نفر ۳۶۵۴۲ نفر ۴۹۹۶۷ نفر ۳۰۲۵۷ نفر ۱۴۰۹ نفر ۲۶۸۵ نفر ۹۲۹۲۷ نفر ۶۱۱۴۲ نفر ۲۳۳ نفر ۲۹۳ نفر ۴۷۱۸ نفر
۱۱	دلواری	تنگسیر	_____ (یافت نشد)
۱۲	نائینی	نائین (نیستانک)	۲۷۶ نفر
۱۳	شهمیرزادی	شهمیرزاد	۸۸۸۲ نفر
۱۴	تاتی	چال/شال	_____ (یافت نشد)

۱. این رقم طبق آمار سال ۱۳۸۵ است و برآورد شده بود که در سال ۱۳۸۹ جمعیت این استان به ۲۷۳۳۲۰۵ نفر می رسد.

راهنمای آواها*

همخوانها			
مشخصه‌های آوایی	آوا	مشخصه‌های آوایی	آوا
چاکنایی، سایشی، بیواک	h	دولبی، انسدادی، بیواک	p
حلقی، سایشی، بیواک (اورامی)	ħ	دولبی، انسدادی، واکدار	b
چاکنائی، سایشی، واکدار (اورامی)	ɦ	دندان، انسدادی، بیواک	t
حلقی، سایشی، واکدار (اورامی)	ʕ	دندان، انسدادی، واکدار	d
ملازی، سایشی، واکدار (اورامی)	ʁ	نرمکامی، انسدادی، بیواک	k
لیبی - کامی، تقریبی، واکدار	ʄ	نرمکامی، انسدادی، واکدار	g
ملازی، انسدادی، بیواک	q	دولبی، خیشومی	m
کامی، انسدادی، بیواک (دوانی)	c	لثوی، خیشومی	n
چاکنایی، انسدادی، بیواک	ʔ	نرمکامی، خیشومی	ŋ
لثوی، ناسوده/تقریب (اورامی)	ɹ	کامی، انسدادی - سایشی، بیواک	ç
لثوی، روان، کناری	l	کامی، انسدادی - سایشی، واکدار	ǰ
روان، کناری، تیره (کردی)	ɭ	لب و دندان، سایشی، بیواک	f
لثوی، روان، لرزشی	r	لب و دندان، سایشی، واکدار	v
روان، چندزنجی (کردی)	ʀ	بین دندان، سایشی، بیواک	θ
روان، چندزنجی (اورامی)	ʁ	بین دندان، سایشی، واکدار	ð
کامی، نیم‌واکه	y	لثوی، سایشی، بیواک	s
لیبی - نرمکامی، نیم‌واکه	w	لثوی، سایشی، واکدار	z
		لثوی - کامی، سایشی، بیواک	š
		لثوی - کامی، سایشی، واکدار	ž
		نرمکامی، سایشی، واکدار (دوانی و کردی)	ʎ
		نرمکامی، سایشی، بیواک	x

* این جدول فقط نشانه‌هایی را نشان می‌دهد که این نگارنده در مثالهای خود به کار برده است (یعنی نقل از دیگران نیست).

راهنمای آواها (ادامه)

نشانه‌های آوایی دیگر		واکه‌ها	
مشخصه‌های آوایی	آوا	مشخصه‌های آوایی	آوا
لی‌شدگی [x ^w]	- ^w	پیشین، بسته	i
دمیده [p ^h]	h	پیشین، بسته، نرم	ɪ
کشیده [a: /ā]	: -	واکهٔ پیشین، بسته، نرم، نیم‌واکه‌شده (کردی)	ɪ̯
خیشومی‌شدگی [õ]	~	پیشین، نیمه‌بسته	e
تکیه	'	پیشین، نیمه‌بسته، گرد	ö
برگشته [d] (بلوچی)	·	پیشین، باز	æ
		پسین، باز	a
		پسین، بسته	u
		پسین، بسته، گرد، نرم (کردی)	U
		پیشین، بسته، گرد	ü

کوته نوشته‌ها

معنا	نشانه	معنا	نشانه
مذکر	mass.	فعل لازم ساخته شده با ستاک گذشته	فعل «ل + گذشته»
کامل	perf.	فعل لازم ساخته شده با ستاک حال	فعل «ل + حال»
وجه وصفی	part.	فعل متعدی ساخته شده با ستاک گذشته	فعل «م + گذشته»
ختنی	neut.	فعل متعدی ساخته شده با ستاک حال	فعل «م + حال»
مکانی	loc.	ساخته شده با ستاک گذشته	«+ گذشته»
وسیله‌ای	inst.	ساخته شده با ستاک حال	«+ حال»
غیر فاعلی	obl.	فاعل فعل متعدی/عامل	A
نفی	neg.	فاعل فعل لازم	S
زمان حال	Pres	مفعول صریح	P یا O
معرفه	م	اول شخص مفرد	۱ش م
نکره	ن	دوم شخص مفرد	۲ش م
مفرد	sg	سوم شخص مفرد	۳ش م
جمع	pl	اول شخص جمع	۱ش ج
مؤنث	fem	دوم شخص جمع	۲ش ج
حالت کنائی	Erg	سوم شخص جمع	۳ش ج
حالت مطلق	Abs	سوم شخص مفرد مذکر	3MS
اول شخص جمع	1 pl	سوم شخص مفرد مؤنث	3FS
مفعول + فعل	م + ف	حالت فاعلی	Nom
اضافه	اض	حالت مفعولی	Acc

بیست و یک

نشانه‌های قراردادی

/	یا
=	واژه‌بست مطابقه با فاعل/عامل
[عدد]	شماره مثال در متن مبدأ
←	رجوع کنید به
*	(الف) در بافت مباحث در زمانی، به معنای 'صورت بازسازی شده' است. (ب) در بافت مباحث هم‌زمانی به معنای 'غیردستوری' است.
//	واج نویسی
<	صورت اولیه

راهنمای استفاده از مثالها

در این کتاب کلمه‌ها، عبارتها و جمله‌هایی که در مثالها آمده‌اند غالباً به طور کامل به تکواژهای سازنده‌شان تقطیع شده‌اند و زیر هر تکواژ ترجمه (gloss) آن نوشته شده است. در بیشتر مثالها، برای هر تکواژ فقط یک ترجمه وجود دارد (← مثال ۱، از زبان کردی). اما در برخی از مثالها دو تکواژ یا دو کلمه دارای یک ترجمه مشترک است؛ در این موارد، تکواژها یا کلمه‌های هم‌معنا، با خط مورب از هم جدا شده‌اند، اما ترجمه آنها تکرار نشده است (← مثال ۲، از زبان کردی).

1. hat-em
۱ش م - آمد

2. hat-i(d) / -i(den)
۲ش م - آمد

در اینجا خط مورب نشان می‌دهد که برای تکواژ ۲ش م دو صورت وجود دارد: -i(d) و -i(den) و پراکنشها تعداد این دو صورت را به سه صورت، می‌رسانند: -i ، -id ، -iden.

این کتاب پیشکشی است به همه گویشوران زبانهای ایرانی
که مقام زبان محلی خود، این میراث بزرگ انسانی،
فرهنگی، فکری، و ایرانی را می‌شناسند و به دانستن آن
زبان بر خود می‌بالند و برای ماندگاری آن می‌کوشند.

پیشگفتار

خداوند را شکر گزارم که به من توفیق عنایت فرمود گامی در حد بضاعت فکری، جسمی، و علمی خود برای توصیف و تحلیل تعدادی از زبانهای ایرانی در چارچوب نظری مشخصی بردارم. اندیشه تألیف کتاب *رده‌شناسی زبانهای ایرانی* به طور جدی بیست سال پیش در ذهنم شکل گرفت. در آغاز کوشیدم منابعی را که از چند روز پس از فراغت از تحصیل در دوره دکتری گردآورده بودم بخوانم و به چارچوب رده‌شناختی مناسب برای مطالعه آن زبانها دست یابم. اولین اثری که در آن روزها در رده‌شناسی تهیه کرده بودم مجموعه چهارجلدی *همگانیهای زبان انسان* (۱۹۷۸) ویراسته گرینبرگ و همکاران بود. جوزف گرینبرگ (۱۹۱۵-۲۰۰۱) را که برجسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم بود در تابستان ۱۹۷۸ هنگامی که نیمسال اول دوره دکتری زبان‌شناسی را سپری کرده بودم در مدرسه تابستانی زبان‌شناسی ملاقات کردم. در همان مدرسه با برنارد کامری نیز که اکنون برجسته‌ترین رده‌شناس جهان است آشنا شدم. اولین مقاله‌ای که در چارچوب رده‌شناسی انتشار دادم در سال ۱۹۹۷ بود. سه مقاله دیگر در همین حوزه مطالعاتی در سالهای ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، و ۲۰۱۲ منتشر کردم. همه این مقاله‌ها به زبان انگلیسی چاپ شده‌اند. تحریر اول این مقاله‌ها را در همایشهای بین‌المللی و داخلی زبان‌شناسی و غالباً به عنوان سخنران مدعو ارائه کرده‌ام. در سخنرانیهای خارج کشور از حضور برنارد کامری، ماریان میتون، مارتین هاسپلمت، دونالد استیلو، بو اوتاس، کارینا جهانی، اگنس کورن، جفری هیگ، لودویک پاول، جان هاکینز، و متیو درایر بهره‌مند بوده‌ام. با اکثر رده‌شناسان و ایران‌شناسانی که نامشان ذکر شد، و هر کدام در زمینه تخصصی خود سرآمد است، گفت‌وگوهای علمی متعدد داشته‌ام و از آثارشان بسیار آموخته‌ام. به ویژه دعوت‌های سال ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، و ۲۰۰۷ برنارد کامری، مدیر دانشمند گروه زبان‌شناسی مؤسسه پژوهشی مکس پلاتک (در کشور آلمان، شهر لایپزیک) از این نگارنده به عنوان استاد میهمان برای ایراد سخنرانی در جمع استادان و پژوهشگران آن گروه و استفاده از کتابخانه غنی و تسهیلات کتابخانه‌ای آن مؤسسه بسیار سودمند بود.

بیست و یک

دانشگاه علامه طباطبائی با اعطای فرصت مطالعاتی ده‌ماهه در دانشگاه کالیفرنیا در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۱۳۷۲ زمینه آغاز مطالعه جدی‌تر و آشنائی عمیق‌تر با رده‌شناسی زبان را فراهم نمود. در ادامه این مسیر علمی، دانشگاه علامه طباطبائی و شورای عالی پژوهش‌های علمی کشور با حمایت خود از طرح پیشنهادی نگارنده با عنوان ”زبانها و گویشهای عمده کنونی ایران“ در سال ۱۳۷۶ باب ورود به مطالعه رده‌شناختی زبانها و گویشهای ایرانی را گشودند. به عنوان معلم زبان‌شناسی این بخت را داشته‌ام که با گویشوران زبانها و گویشهای ایرانی و غیرایرانی رایج در جای‌جای ایران مواجه شوم و از دانش زبانی آنان بهره‌مند گردم. وجود زبانهای محلی گوناگون در ایران شامل زبانهایی که در این کتاب بررسی شده‌اند و زبانهای محلی دیگری همچون ترکی (اورالی - آلتائی)، عربی (سامی)، ترکمنی (اورالی - آلتائی)، قشقائی (اورالی - آلتائی)، ارمنی (هندواروپائی)، آسوری یا آرامی نو (سامی)، رومانی یا رومانو (هندوآریائی)، گرجی (قفقازی)، جدگالی (هندوآریائی)، براهوئی (دراویدی)، و نیز آن دسته از زبانهای محلی ایرانی که مجال توصیف و تحلیل آنها در این کتاب فراهم نشد، مانند سمنانی، لری، گیلکی، مازندرانی، تعداد قابل توجهی از زبانهای محلی فلات مرکزی ایران (شامل گزی، راجی، جوشقانی، ایبانه‌ای)، بهبهانی (استان خوزستان)، مینابی (استان هرمزگان)، کومزاری (گویش لارکی در تنگه هرمز) حقیقتاً سرمایه‌های ارزشمند فکری، فرهنگی، و تاریخی ایران هستند و ثبت و ضبط و حفظ همه آنها وظیفه‌ای است بر دوش پژوهشگران و نهادهای علمی عرصه علوم انسانی.

در اینجا مایلیم به پرسشی که ممکن است در ذهن خوانندگان این کتاب مطرح شود اشاره کنم. مفاهیم ’زبان‘، ’گویش‘، ’لهجه‘، و ’گونه‘ در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی چگونه به کار رفته‌اند؟ در آغاز باید تصریح کنم که طبق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸) ’زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است‘. در ادامه از تعبیر ’زبانهای محلی و قومی‘ استفاده شده است که به لحاظ ملاکهای زبان‌شناختی تعبیری موجه و علمی است. در مقاله‌ای با عنوان ’زبان، گونه، گویش، و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی‘ (۱۳۸۷) از تشبث و گوناگونی فراوان در کاربرد این اصطلاحات در میان آثار نشریافته زبان‌شناسان ایرانی سخن گفته و تأکید کرده‌ام که این تشبث و گوناگونی موجب آشفتگی و سردرگمی بسیاری برای دانشجویان زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط و علاقه‌مندان به مطالعات زبانی شده است. در ادامه کوشیده‌ام با استناد به

منابع معیار زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان در سطح جهانی، اصطلاحات مذکور را با ارائه مصادیق از ایران تعریف کنم. در آن مقاله به نقل از کتاب *گویش‌شناسی چمبرز و تراگیل* (۱۹۸۰) آمده ما معتقدیم بهتر است گویشها (dialects) را گویشهای یک زبان بدانیم (ص ۳). گویشهای یک زبان به لحاظ دستوری و واژگانی و نیز واجی از یکدیگر متمایزند (ص ۵). طبق این تعریف انگلیسی بریتانیایی، انگلیسی امریکایی، انگلیسی استرالیایی، انگلیسی کانادایی، و انگلیسی افریقای جنوبی گویشهای زبان انگلیسی‌اند. در همانجا گفته شده است که اما لهجه (accent) به شیوه تلفظ سخنگو اشاره دارد. بنابراین لهجه‌های یک زبان آنهایی هستند که به لحاظ آوایی و واجی از هم متمایزند. در آن مقاله، این نگارنده بر اساس تعدادی از منابع بین‌المللی و معیار، اجماع جامعه زبان‌شناسی امروز را درباره مفاهیم مورد بحث به شرح زیر خلاصه کرده است (ص ۱۲۰):

- ۱) گونه (variety): اصطلاحی است خنثی و پوششی که می‌توان آن‌را به مثابه اطلاق کلی به کار برد. یعنی هرگاه نخواسته باشیم خود را مقید به یک اصطلاح خاص (از مجموعه اصطلاحات مورد بحث کنونی ما) کنیم، اصطلاح 'گونه' راهگشاست.
- ۲) زبان (language): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند.
- ۳) گویش (dialect): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی، و دستوری وجود دارد.
- ۴) لهجه (accent): دو گونه زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی دیده می‌شود.

بر پایه این تعریفها فارسی امروز، گیلکی، مازندرانی، کردی سورانی، کردی کرمانشاهی، اورامی، وفسی، لکی، لری، راجی، دلواری، لارستانی، شهمیرزادی، سمنانی، دوانی، بلوچی، نائینی، تالشی، و تاتی زبان‌اند. زبان فارسی زبان رسمی ایران است و دیگر زبانهای نام برده شده زبانهای محلی ایرانی‌اند. هر یک از زبانهای مذکور گویشهای خود را دارد. به عنوان نمونه، فارسی تهرانی، فارسی اصفهانی، فارسی بیرجندی، فارسی قانقی، فارسی کاشانی، تاجیکی، دری (یا فارسی افغانستان) گویشهای یک زبان‌اند: گویشهای زبان فارسی. به همین ترتیب گویشهای لاری، اوزی، خنجی، گراشی، بستکی، و بیخه‌ای برخی از گویشهای زبان لارستانی هستند. صاحب این قلم اصطلاح 'گروه گویشی' را برای اطلاق به مجموعه گویشهایی که ذیل یک زبان جای می‌گیرند بسیار سودمند و راهگشا می‌داند. بر این اساس زبان لارستانی دربرگیرنده گروهی گویشی است شامل گویشهای لاری،

اِوَری، خُنْجی، گِراشی، بَسْتکی، و بیخه‌ای. از طرفی دیگر، گویشوران فارسی و گویشوران لارستانی با یکدیگر فهم متقابل ندارند. نظام دستوری فارسی و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های بسیار بنیادی دارند به طوری که تفهیم و تفاهم متقابل را به کلی ناممکن می‌کند. از این رو، بی‌گمان فارسی و لارستانی را باید دو زبان دانست. به عنوان نمونه‌ای دیگر، گروه گویشی تاتی جنوبی عبارت‌اند از گویشهای چالی، تاکستانی، اشتهاردی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفانی، اسفرورینی، و خوزینی. این گروه گویشی ذیل یک زبان واقع‌اند و آن زبان تاتی است. نظام دستوری تاتی، با نظام دستوری فارسی، و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های اساسی دارد به طوری که فهم متقابل بین گویشوران آن سه غیرممکن است. بنابراین، فارسی، تاتی، و لارستانی را سه زبان ایرانی نو باید بدانیم. در مقیاسی کوچک‌تر می‌توان از گروهی گویشی متشکل از گویش روستای وفس، گویش روستای چهره‌قان، گویش گورچان، و گویش فَرک سخن گفت که ذیل زبان وفسی (که در منطقه وفس در منتهی‌الیه شمال غربی استان مرکزی به آن گفت‌وگو می‌شود) واقع است. گویشوران وفسی و فارسی فهم متقابل ندارند و از این رو ضرورت دارد از زبان وفسی سخن بگوییم.

از طرفی دیگر، اگر تفاوت‌های میان دو گونه زبانی اساساً فقط در حد تفاوت‌های آوایی و واجی باشد، بر اساس معیارهای جهانی زبان‌شناسی باید آن دو گونه را 'لهجه‌های' یک زبان دانست، مانند فارسی قمی و فارسی تهرانی.

در مقام جمع‌بندی لازم است تصریح کنم که اطلاق اصطلاح "گویش" به مثابه "زبان محلی و قومی" که در آثار برخی از زبان‌شناسان ایرانی دیده می‌شود کاربردی است نادقیق و خلاف تعریف معیار و جهانی "گویش" در برابر اصطلاح dialect. با نگاهی فراگیر می‌توان گفت در زبان‌شناسی امروز، کاربرد بی‌نشان، خنثی، و پیش‌فرض 'گویش' (dialect) در واقع همان 'گویش جغرافیائی' (geographical dialect/geolect) یا 'گویش منطقه‌ای' (regional dialect) است یعنی گونه‌هایی از یک زبان که بین گویشوران آنها فهم متقابل وجود دارد اما با فاصله جغرافیائی از هم واقع‌اند (← مصادیق 'گویشها' که پیش‌تر نام بردیم). اما در کنار گویش جغرافیائی از 'گویش اجتماعی' (social dialect/sociolect)، 'گویش شهری' (urban dialect)، 'گویش فردی' (idiolect)، 'گویش جنسیتی' (genderlect)، و 'گویش نسلی' (generatiolect) نیز می‌توان سخن گفت. در هر مورد، مبنای گوناگونی زبانی عاملی متفاوت است، مانند عامل جغرافیائی، اجتماعی (همچون

تحصیلات یا شغل)، فردی، جنسیتی، یا گروه سنی و فاصله نسلی.

در تألیف و انتشار کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی خود را وامدار و سپاسگزار عزیزان بسیاری می‌دانم. بیش از همه، گویشورانی که مرا در دانش زبانی‌شان سهیم کردند و افقهای تازه‌ای را پیش‌روی من گشودند در این اثر سهم دارند. در پانویسی در ابتدای هر فصل نام و مشخصات آن بزرگواران را آورده‌ام. سهم همسر و فرزندانم در تألیف این کتاب ویرای توصیف است. به یاد دارم در سالی که دوره‌ی فرصت مطالعاتی خود را در دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) می‌گذراندم، دقایقی پس از تحویل سال و فرارسیدن نوروز با شتاب خود را به همایشی علمی که در دانشگاه برگزار شده بود رساندم. در سالهای متمادی تحقیق و نگارش این کتاب در روزهای تعطیل و ایام مرخصی ساعتی بی‌شماری را در اتاق کارم می‌گذراندم. هفته‌های زیادی برای ایراد سخنرانی و استفاده از فرصتهای پژوهشی که گروه زبان‌شناسی مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک در اختیارم گذاشته بود در سفر و دور از خانواده بودم. در مراحل مختلف نشر کتاب از لطف و محبت استاد دکتر احمد احمدی رئیس محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، که افتخار آشنائی من با این شخصیت فرهنگی به سی سال پیش بازمی‌گردد، بهره‌مند بوده‌ام. فرزند گرامی ایشان جناب آقای دکتر مهدی احمدی همواره در انتشار کتاب مساعدت نمودند و یکی از کتابهای مورد نیازم را از خارج از کشور تهیه کردند. از این دانش‌آموخته شایسته زبان‌شناسی بسیار سپاسگزارم. همکاران زیادی در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب برای چاپ نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. بی‌گمان هیچگاه نام تعدادی از آن عزیزان هیچ‌جا ذکر نخواهد شد اما من از بُن‌جان خود را مدیون کوششهای آنان می‌دانم. از سرکار خانم دکتر سعیده کمائی‌فرد، مدیر محترم اداره تدوین کتب علوم انسانی که همیشه راهگشا بودند و امکانات در اختیارشان را سخاوتمندانه برای پیشبرد امور کتاب به خدمت گرفتند سپاسگزارم. از سرکار خانم نوشین قبدیان، مسئول محترم اداره ویرایش، که نمونه‌خوانی این کار را برعهده گرفتند تشکر می‌کنم. از سرکار خانم مریم جابر، دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی و ویراستار ارشد سمت که با دقت، شکیبائی، تعهد، و احساس مسئولیت مثال‌زدنی نهایت توان خود را برای آماده‌سازی و ویرایش نسخه دستنویس این کتاب، که افزون بر ۲۳۰۰ صفحه بود، به کار بستند از صمیم قلب سپاسگزارم. ایشان در جلسه‌های متعدد حضوری و نیز از طریق پیام‌نگار نکته‌ها و پیشنهادهای بسیار ارزشمندی را با

من در میان گذاشتند و مرا مدیون خود کردند. سرکار خانم مریم سمیاری حروف‌نگار طراز اولی در سمت هستند که با علاقه، نهایت دقت، و جدیت حروف‌نگاری پرظرافت این کتاب را به انجام رساندند؛ این کتاب به لحاظ حروف‌نگاری پیچیدگیهای زیادی دارد و آوانویسی‌های ناهمگن، تقطیعها، جدولها، و شکل‌های متعددی در آن به کار رفته است؛ همواره قدردان محبت‌های ایشان خواهم بود.

امیدوارم کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی گامی باشد در جهت بومی کردن علم زبان‌شناسی در ایران. همچنین آرزو می‌کنم این اثر بتواند نشان دهد که مطالعه زبانهای ایرانی در آگاه‌تر کردن جامعه بین‌المللی زبان‌شناسی از اهمیت این زبانها در پرتو افکندن به چیستی زبان و ویژگیهای قوه نطق بسیار سودمند است. شاید زمان آن رسیده باشد که با برخورداری از این گنجینه عظیم زبانی در ایران به سهم شدن در نظریه‌پردازی بیندیشیم و به ترجمه کردن آراء، اندیشه‌ها، و مفاهیم به زبان فارسی و یا شارح صرف بودن در انتقال مفاهیم علمی نو در زبان‌شناسی بسنده نکنیم.

محمد دبیرمقدم

استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

بهمن ۱۳۹۱

مقدمه*

برای من مایه افتخار و مسرت است که می‌توانم کتاب ماندگار استاد محمد دبیرمقدم را با عنوان رده‌شناسی زبانهای ایرانی به خوانندگان معرفی کنم. این کتاب از چند جنبه در زبان‌شناسی به عنوان نخستین اثر معرفی می‌شود.

اول اینکه، این اثر پس از مدتهای مدید شرح مفصلی از پژوهشهای اخیر در رده‌شناسی زبان را، با به خدمت گرفتن مواد زبانی روشنگر از زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی ایران و خارج از ایران به خوانندگان فارسی‌زبان، ارائه می‌کند. رده‌شناسی زبان در چند دهه اخیر به منزله رویکردی قوی و مستقل به زبان، با بذل توجه دقیق هم به ویژگیهای جزئی زبانهای خاص و هم به الگوهای کلی‌ای که در بین زبانها دیده می‌شوند، ظاهر شده است. این رویکرد در خصوص همگانیهای زبانی دست به تعمیم می‌زند و در عین حال شرح نظام‌مندی از گوناگونی زبانی به دست می‌دهد. استاد محمد دبیرمقدم متخصص پیشتازی است در سطح جهانی در به کاربرتن رده‌شناسی زبان به زبانهای ایرانی، و کتاب او که دیری انتظارش می‌رفت به طور تحسین‌برانگیزی این هدف را برآورده می‌کند.

افزون بر آن، این کتاب تحلیل مفصلی از تعدادی از زبانهای ایرانی از منظری رده‌شناختی، با تمرکز بر پدیده‌هایی که مورد علاقه رده‌شناسی زبان بوده‌اند، به دست می‌دهد، و بدین ترتیب زبانهای ایرانی را در طرح کلی گوناگونی بین‌زبانی قرار می‌دهد. دو پارامتر رده‌شناختی به منظور بحث بین‌زبانی مفصل برگزیده شده‌اند، که عبارت‌اند از ترتیب واژه و گنائی‌بودگی، که زبانهای ایرانی برای هر دو مورد

* متن اصلی مقدمه برنارد کامری پس از ترجمه آن درج شده است.

مواد زبانی مهمی فراهم می‌کنند که در گذشته غالباً نادیده گرفته شده‌اند. به عنوان نمونه، زبان فارسی از این بابت که در ترتیب خنثای واژه‌ها فعل را در پایان جمله می‌نهد فعل‌پایانی است، اما بر اساس اکثر پارامترهای دیگر، زبان فارسی ارزشهایی را نشان می‌دهد که کاملاً مغایر آنهایی است که در زبانی فعل‌پایانی می‌باید انتظار داشت، مانند داشتن پیش‌اضافه به جای پس‌اضافه و ظاهر شدن مالک بعد از مملوک، نه قبل از آن. زبانهای ایرانی دیگر، گوناگونیهای جالبی را در این موضوع نشان می‌دهند و از این رو داده‌های تعیین‌کننده‌ای برای مباحث مربوط به رده‌شناسی ترتیب واژه به دست می‌دهند. در خصوص کُنائی‌بودگی، زبانهای ایرانی گستره وسیعی از گوناگونی را نشان می‌دهند که دامنه آن از زبانهایی با کُنائی‌بودگی گسترده (یعنی رفتار پذیرا، به جای عامل، در فعل متعدی همانند تنها موضوع یک فعل لازم) تا زبانهایی مانند فارسی را که تقریباً همه نشانه‌های این پدیده را از دست داده‌اند شامل می‌شود. مراحل بینابینی غالباً به لحاظ رده‌شناختی بسیار غیرمعمول‌اند، مانند نظامهایی که در آنها یک نشانه یکسان هم برای عامل و هم برای پذیرا در فعل متعدی به کار برده می‌شود ولی نشانه‌ای متفاوت برای تنها موضوع فعل لازم به خدمت گرفته می‌شود، و این همان الگوئی است که برای بسیاری از توصیفهای کُنائی‌بودگی مسئله‌آفرین است.

کلام آخر اینکه، این کتاب شکاف بین رده‌شناسی زبان، زبانهای ایرانی، و خوانندگان فارسی‌زبان مباحث زبان‌شناختی را برطرف می‌کند. اثری است مهم و بهنگام که انتشارش با استقبال گرم روبه‌رو خواهد شد.

استاد دکتر برنارد کامری

مدیرگروه زبان‌شناسی مؤسسه مکس پلانک

در انسان‌شناسی تکاملی (لایپزیک، آلمان)

و استاد ممتاز دانشگاه کالیفرنیا (سانتا باربارا)

Preface

It is an honor and a pleasure for me to be able to introduce to the reading public Professor Mohammad Dabir-Moghaddam's monumental volume *The Typology of Iranian Languages*. This volume represents a first in linguistics from a number of perspectives.

First, it provides at long last a detailed account of recent work in linguistic typology to the Persian-speaking public, using illustrative material from Persian and other Iranian languages of Iran and beyond. Linguistic typology has emerged in the last few decades as a robust independent approach to Language, paying careful attention both to the detailed properties of individual languages and also to the general patterns that are observed cross-linguistically; it generalizes with respect to language universals while providing a systematic account of linguistic diversity. Professor Mohammad Dabir-Moghaddam is a leading practitioner internationally of the application of linguistic typology to Iranian languages, and his long-awaited volume admirably serves this purpose.

In addition, the volume provides a detailed analysis of a range of Iranian languages from a typological perspective, concentrating on phenomena that have been interest to linguistic typology, and thus placing the Iranian languages within the overall schema of cross-linguistic variation. Two typological parameters are chosen for detailed cross-linguistic discussion, namely word order and ergativity, for both of which Iranian languages provide important material that has only too often been neglected in the past. For instance, Persian is verb-final in the sense that in neutral word order the verb occurs at the end of its clause, but in terms of most other parameters Persian shows values diametrically opposed that one would expect in a verb-final language, such as prepositions rather than postpositions and the possessor after rather than before its possessum. Other Iranian languages provide interesting variations on this theme and thus provide crucial input into discussions of word order typology. With regard to

ergativity, Iranian languages show a wide range of variation from languages with widespread ergativity (treatment of the patient, rather than the agent, of a transitive verb like the single argument of an intransitive verb) to languages like Persian that have lost virtually all traces of the phenomenon. Intermediate stages are often typologically highly unusual, such as systems where the same marking is used for both transitive agent and patient but a different marking is used for the single intransitive argument, a pattern that poses problems for many accounts of ergativity.

In sum, this volume bridges the gap between linguistic typology, Iranian languages, and the Persian-speaking linguistic readership. It is an important and timely work whose publication will be warmly welcomed.

Prof. Dr. Bernard Comrie
Director, Department of Linguistics,
Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology
& Distinguished Professor of Linguistics,
University of California Santa Barbara